

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۹۵
صفحات: ۸۷-۱۰۴
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۷/۱۰

دولت و بازیگران غیر دولتی در عراق پسا صدام؛ مطالعه موردی فلوجه عراق (۲۰۱۶-۲۰۰۴)

دکتر سروش فتحی* / فاطمه قابل رحمت**

چکیده

بعد از حمله گروه تروریستی داعش به عراق و سوریه، برخی از ساختارهای اجتماعی، سیاسی پایدار شهرهای اشغال شده، متاثر از اشغال، در معرض دگرگونی و گاه فروپاشی قرار گرفتند. واکنش مردم چه هنگام اشغال و چه پس از آزاد سازی (که هیچ نوع سابقه تاریخی اشغال به این شکل را نداشتند)، بسیار متفاوت بوده است. این مقاله با استفاده از روش کیفی توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا چگونگی عملکرد دولت و شکاف های مرتبط با نیروهای اجتماعی بر میزان پذیرش و اقبال یک جامعه از جریان های بنیاد گرایی مانند داعش موثر هستند؟. نتایج بررسی پیشینه تاریخی شهر فلوجه در عراق چه در هنگام اشغال و چه پس از آزادسازی، نشان می دهد که فعال شدن شکاف مذهبی و شکاف بین جامعه ی فلوجه و دولت مرکزی، هم گرایی گروه ها و بازیگران غیر دولتی مانند باقی ماندگان حزب بعث و گروه تروریستی القاعده، در کنار ضعف دولت مرکزی یا به عبارتی فروماندگی این دولت، از جمله دلایلی هستند که بستری مناسب را برای اشغال داعش فراهم آورده است. سابقه جنایات آمریکا در زمان اشغال فلوجه در ۲۰۰۴م، عدم مشروعیت آمریکا و هم پیمانانش از طرفی و دست نشانده دانستن دولت وقت عراق، ارتش و سایر نیروهای امنیتی از سوی مردم هم از جمله عواملی بود که مردم را برای پذیرش بیشتر داعش آماده کرده بود.

کلیدواژه ها

شکاف های اجتماعی، دولت فرومانده، فلوجه، داعش، عراق.

* دانشیار گروه جامعه شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Fathi.soroush@gmail.com

** دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

fatemeh.ghrahmat@gmail.com

مقدمه

خاورمیانه دیر بازی است که دستخوش جنگ‌ها، منازعات و درگیری‌هایی است که تداوم آن‌ها امروز به معضلی پیچیده برای کشورهای منطقه تبدیل شده است. در مطالعات این منطقه، باید سه نقطه عطف، پایان جنگ جهانی دوم، دوران جنگ سرد و حوادث پس از فروپاشی نظام دو قطبی و در آخر حوادث ۱۱ سپتامبر را در نظر داشته و در چند سال اخیر پیدایش داعش را به آن‌ها افزود.

بحران داعش بسیار پیچیده است. زیرا هم‌زمان منازعات ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک را در منطقه به هم وصل می‌کند. این گروه تروریستی، عملکردی ضدملی، ضد دولت و علیه هرگونه مرزهای شناخته شده سیاسی است. با بررسی دموگرافیک افراد پیوسته به سازمان‌های تروریستی و داوطلب در عملیات انتحاری، تنوع طبقات اجتماعی، جنسیتی، تحصیلی و مذهبی، بسیار قابل توجه بوده به نحوی که درک انگیزه‌های فردی را مشکل کرده و توجه به زمینه‌ها و ساختارهای اجتماعی را به عنوان فضایی با پتانسیل بالا برای عرضه، در مقابل تقاضای فزاینده‌ی گروه‌های تروریستی می‌طلبد. بازیگران منطقه‌ای هرکدام استراتژی ویژه خود را برای دفع تهدید داعش در دستور کار قرار داده‌اند، اما با وجود ائتلاف علیه داعش، هنوز بخش‌های از عراق و سوریه تحت اشغال این گروه است. طبق آخرین آمارها تا ژوئن ۲۰۱۶، در عراق ۴۵ درصد از سرزمین‌هایی که زمانی داعش در تصرف داشته، باز پس گرفته شده است. این رقم در سوریه نیز چیزی بین ۱۶ تا ۲۰ درصد است اما در عوض حملات تروریستی این گروه به علت از دست دادن اراضی تحت اشغال، افزایش یافته است.^۱

۱. طرح مساله

خصوصیات مشترکی در بین شهرهای مختلف در خاورمیانه، به‌ویژه در کشورهای عربی وجود دارد که ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را تحت تاثیر قرار داده است. از جمله این مشخصات می‌توان به وجود اکثریت عرب زبان، مشابهت در رسوم و سنت‌ها و سیستم‌های سیاسی و اجتماعی، فرهنگ بنا شده بر اسلام با وجود اقلیت‌های مسیحی و یهودی، وجود سیستم قانون‌گذاری متأثر از حکومت‌های استعمارگر و مسلط مانند بریتانیا، فرانسه و عثمانی،

۱. آمارها برگرفته از سایت موسسه تحقیقاتی IHS می‌باشد. www.ihs.com

کنترل آزادی بیان و عناصر تشکیل دهنده جامعه‌ی مدنی و چگونگی فعالیت احزاب سیاسی است. همچنین رشد سریع جمعیت و نرخ بالای بیکاری مخصوصاً در جمعیت جوان و تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ، نرخ بالای بی‌سوادی بزرگسالان مخصوصاً زنان و مهاجرت افراد تحصیل‌کرده، تنوع ساختارهای قومی و قبیله‌ای، افزایش تقاضا برای مشارکت سیاسی و اجتماعی هم از جمله ویژگی‌هایی هستند که در دهه‌های اخیر افزایش چشمگیری داشته‌اند. این تحولات در یک شیفت گفتمانی با وارد شدن در گفتمان «جامعه فعال - دولت منفعل»، و متأثر از جنگ‌های داخلی و حملات تروریستی شدت گرفته‌اند. در خاورمیانه جدا از تمامی تفاوت‌ها در حیطه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به وضوح شاهد هویت تاریخی به شدت متأثر از یک تنیدگی اجتماعی حاصل از مذهب هستیم. از طرف دیگر به علت نظام اقتصادی استخراجی و نفت پایه و عدم ورود در چرخه‌ی تولید سرمایه‌داری جهانی، اکثر این کشورها دارای تولید ناخالص ملی^۱ پایینی بوده و هنوز تا توسعه‌یافتگی راه درازی در پیش دارند. تحولات سیاسی بین‌المللی ناشی از دو جنگ جهانی موجب دگرگونی اساسی جغرافیای سیاسی خاور میانه و ظهور دولت‌های جدید و آغاز فرایند دولت - ملت سازی در این کشورها شده است. در این شرایط اکثر کشورهای منطقه خاورمیانه که دولت‌های حاکم بر آن انطباق کاملی با تمام گروه‌های فرهنگی و قومی سرزمین‌شان نداشتند در فرایند گذار از جامعه سنتی و نوسازی سیاسی، اقتصادی با بحران‌های هویت، مشروعیت، نفوذ و توزیع مواجه شدند. این کشورها برای مقابله با چالش‌های نوظهور، به دنبال یکپارچه‌سازی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی (ملت‌سازی) و تقویت نهاد دولت مقتدر (دولت‌سازی) با استفاده از ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی و شیوه‌های اقتدارگرایانه برآمدند (فاست، ۱۳۸۶: ۴۰).

ایدئولوژی مدرنیسم با تضعیف تنوعات جامعه سنتی با تحمیل تمایلات ملی‌گرایانه و تمرکزگرا و هم شکل‌سازی اش و مقاومت نهادهای سنتی و ایدئولوژیک کردن سنت در مقابل توسعه‌ی مدرنیسم، همچنین توسعه نامتوازن جامعه مدنی و توزیع نابرابر ثروت در بین گروه‌های اجتماعی شکاف‌هایی را با توجه با تحولات و پیشینه‌ی تاریخی ایجاد کردند.

در چند ماه اخیر، دولت عراق و نیروهای ائتلاف توانستند چندین شهر از جمله فلوجه در عراق را آزاد کنند.^۲ برخی از ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دیرپای

1. Gross National Product

۲. فلوجه در تاریخ ۶ تیر ۱۳۹۵ به طور کامل آزاد شد.

شهرهای اشغال شده، تحت تاثیر اشغال بوسیله‌ی نیروهای داعش در معرض دگرگونی و گاه فروپاشی قرار گرفتند. با این وجود تاخیر، کندی و نقصان فرایندهای دگرگونی در زمان اشغال، مانع از آن بوده است که ساختارهای تازه که عموماً متأثر از ایدئولوژی داعش بودند، استقرار و استحکام یابد. هرچند که بسیاری از الگوهای قبل از اشغال از میان رفته و یا تضعیف شده بودند اما واکنش مردم چه هنگام اشغال و چه پس از آزاد سازی در این شهرها (که هیچ نوع سابقه تاریخی اشغال به این شکل را نداشتند)، بسیار متفاوت بوده است. این مقاله با استفاده از روش کیفی توصیفی- تحلیلی به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا ساختارهای اجتماعی از جمله میزان همبستگی های اجتماعی و شکاف های مرتبط با نیروهای اجتماعی بر میزان پذیرش و اقبال یک جامعه از جریان های بنیاد گرایی مانند داعش موثر هستند؟ به عبارت دیگر آیا ساختارهای اجتماعی و پیشینه‌ی تاریخی می‌تواند به عنوان عاملی در بستر سازی برای پذیرش تروریسم مطرح شود؟ برای این منظور با مروری بر ویژگی‌ها و ساختار اجتماعی شهر فلوجه در عراق چه در هنگام اشغال و چه پس از آزادسازی، این ارتباط را بررسی خواهیم کرد. تکنیک جمع‌آوری اطلاعات، فیش برداری از کتاب‌ها، مقالات و مراجعه به سایت‌های اینترنتی است.

۲. مفاهیم نظری

۲-۱. دولت: عبارت است از نهادی که انجام کارویژه‌های اساسی نظام سیاسی یعنی ایجاد نظم در داخل و حفاظت جامعه در برابر خطرهای خارجی را بر عهده دارد. دولت مدرن طبق تعریف پارسونز عبارت است از کامل ترین شکل نظام سیاسی که مناسب‌ترین شرایط را برای یک کنش سیاسی کارآمد در اختیار دارد و چنین تصور می‌رود که برای رسیدن به مرحله‌ی کمال خود به شکوفایی توسعه‌ی اقتصادی و گیتی‌گرایی جامعه نیاز دارد. تحلیل جامعه شناختی از دولت بر معیارهای زیر استوار است:

- نقش اجتماعی دولت؛
- ساخت سازمانی دولت؛
- حقوق و قدرت‌های بالقوه مختص به آن در مقایسه با دیگر نهادهای اجتماعی؛
- سرشت روابط دولت با جامعه؛
- طبقات و نیروهای اجتماعی؛

طبق دیدگاه «پیر بوردیو»^۱ هر جامعه‌ای که از نظر سیاسی سازمان یافته باشد یک دولت نیست. این سازمان‌یافتگی معرف وجود قدرت است و نه دولت. دولت یکی از اشکال قدرت سیاسی است و نه تنها شکل آن. نکته مهم دیگر بحث نهادینگی است. اندیشه دولت را باید در چارچوب تحولات روانی و اجتماعی خاصی مورد تامل قرار داد که باعث پیدایش نوعی از قدرت سیاسی شد که از اعمال کنندگان آن جدا می‌شود و در یک نهاد تبلور می‌یابد (نقیب‌زاده ۱۳۹۱: ۱۷۸).

۲-۲. وظایف سیاسی دولت در قبال جامعه

یکی از عمده‌ترین وظایف سیاسی آموزش همه‌ی مردم به صورت فعال و مرتبط با نظام سیاسی است تا به یک پایگاه اجتماعی مستحکم دست پیدا کند. به این اقدام دولت، ادغام سیاسی^۲ گفته می‌شود و آن فرایندی است که طی آن فرد در فرهنگ جامعه‌ی خود ادغام و خود را با جامعه‌ای که محیط او را تشکیل می‌دهد تطبیق می‌دهد و به صورت یک بازیگر سیاسی درمی‌آید و در واقع به شهروند تبدیل می‌شود. این فرایند که به همسویی نظام سیاسی و پیرامون آن کمک می‌کند سلطه سیاسی را هم سهولت می‌بخشد. زیرا هرچه افراد بیشتری وارد چرخه‌ی سیاسی شوند ثبات، قوام و کارایی نظام سیاسی هم افزایش پیدا می‌کند. این فرایند شامل اجتماعی کردن سیاست^۳، جهت‌گیری سیاسی در فرد و مشارکت است. در روند اجتماعی کردن سیاست سه بعد موسس زندگی انسان یعنی شخصیت، فرهنگ و جامعه با هم پیوند می‌خورد و نتیجه آن ساخت‌پذیری شخصیت فرد و تطبیق آن با هویت جمعی و القای فرهنگ عمومی به افراد و ادغام آن‌ها در جمع است. در جهت‌گیری سیاسی آموزش سیاسی به عنوان محرک خارجی مطرح می‌شود که باعث یک نگرش خاص یا طرز فکر^۴ در درون ذهن فرد می‌شود. وجه ادراکی آن به انسان شناخت و آگاهی، وجه عاطفی آن چگونگی و خوب و بد بودن قضایا و ارتباط با نظام ارزشی و وجه کنشی آن به عمل کشیدن ذهنیت است که نقطه‌ی ادغام سیاسی و نقطه‌ی اوج توسعه سیاسی یا همان مشارکت است. مشارکت بر مبنای آگاهی

-
1. Pierre Bourdieu
 2. Political Integration
 3. Socialization Politic
 4. Attitude

و بیان خواسته‌ها در مجاری مناسب و نهادینه شده به ثبات و توسعه‌ی سیاسی می‌انجامد و در غیر این صورت به هرج و مرج و بی‌ثباتی منجر خواهد شد (همان، ۱۸۵).

۲-۳. دولت فرومانده^۱

کشورهایی که نظام سیاسی آن‌ها واجد ویژگی‌های دولت فرومانده می‌باشد، محیط مناسبی برای ظهور، رشد و قدرت‌یابی بازیگران غیر دولتی محسوب می‌شوند. در یک تعریف کلی دولت فرومانده، دولتی است که قادر به تامین امنیت اولیه و اعمال کنترل بر مرزهای خود نیست. «نوام چامسکی»^۲ ویژگی‌های دولت‌های فرومانده را برمی‌شمارد:

- عدم حفاظت از شهروندان خود؛
- گرایش به این‌که خود را مافوق قانون یا حقوق بین‌الملل دانستن و در نتیجه استفاده از خشونت و تجاوز؛

- برخورداری از برخی از رهاوردهای دموکراتیک و در رنج بودن از کاستی‌های دموکراتیک؛
- محروم بودن نهادهای دموکراتیک از دموکراسی واقعی (چامسکی، ۱۳۸۹: ۱۰).

از مشخصات دیگر این دولت‌ها، انتقال وفاداری برخی یا بسیاری از شهروندان به سمت بازیگران غیر دولتی (گروه‌های فشار یا گروه‌های تروریستی) یا بازیگران خارجی است. همچنین برای فروماندگی دولت‌ها می‌توان شاخص‌هایی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تعریف نمود:

شاخص‌های اجتماعی مانند فشار جمعیتی فزاینده، وجود تعداد زیاد پناهنده و آواره، نارضایتی و سوءظن گروهی و انتقام‌جویانه و خروج نیروها و فرا مغزها به صورت طولانی مدت. شاخص‌های اقتصادی مانند توسعه ناهمگون اقتصادی درمیان گروه‌ها (افزایش شکاف اقتصادی)، فقر و رکود اقتصادی شدید. شاخص‌های سیاسی مانند مشروعیت زدایی از دولت، ناتوانی گسترده در ارائه خدمات عمومی، تعلیق حکومت قانون و نقض گسترده‌ی حقوق بشر، قدرت‌یابی دستگاه‌های امنیتی همچون دولتی درون دولت، افزایش شکاف میان نخبگان حاکم و دخالت و تاثیر گذاری دولت‌های خارجی یا بازیگران غیر دولتی در امور کشور (فرجی راد، ۱۳۹۱: ۱).

1. Failed States
2. Noam Chomsky

۲-۴. بازیگران غیر دولتی

این بازیگران عموماً گروه‌های شبه نظامی هستند که ایدئولوژی خاص خود را دارند. با قدرت یابی بازیگران غیر دولتی از نیمه دوم قرن بیستم و با استقرار دولت-ملت‌ها، به منظور دستیابی به مزایا و اهدافی که در قالب دولت‌های ملی امکان تحقق آن برای گروه‌های دیگر وجود نداشت، اهداف خود را از طرق مختلف مدنی و یا غیر مدنی (خشونت بار) پیگیری می‌کنند (سیمبر، ۱۳۷۸: ۱۶۶).

۲-۵. شکاف‌های اجتماعی

شکاف‌های اجتماعی عملاً موجب تقسیم و تجزیه‌ی جمعیت و تکوین گروه‌بندی‌هایی می‌گردد و این گروه‌بندی‌ها ممکن است تشکلهای سازمان‌های سیاسی پیدا کنند. زندگی سیاسی و اجتماعی هر جامعه‌ای تحت تاثیر شکاف‌های خاص آن کشور و نحوه صورت‌بندی‌های آن قرار می‌گیرد. این شکاف‌ها تابعی از تنوعات جغرافیایی و تاریخی، شکل تقسیم کار اجتماعی، عوامل مربوط به تبار و نسب، جنسیت بوده و می‌توانند فعال یا غیر فعال باشند. شکافی که غیر فعال است ممکن است تحت تاثیر عواملی فعال شود در نتیجه‌ی آن، گروه‌بندی‌ها و عمل و آگاهی سیاسی تکوین یابد. برخی شکاف‌ها ساختاری بوده ولی برخی تاریخی و تصادفی هستند. شکاف‌هایی مانند شکاف‌های مذهبی و فرقه‌ای، شکاف میان دین و دولت، شکاف‌های قومی، زبانی و نژادی از جمله شکاف‌های تاریخی و تصادفی و متأثر از تحولات هر جامعه‌ای هستند. جوامع نیمه سنتی- نیمه مدرن یا در حال گذار دارای شمار پیچیده‌تری از شکاف‌های اجتماعی هستند. از یک سو شکاف قبیله‌ای، قومی، فرهنگی و زبانی مربوط به جامعه سنتی کم و بیش فعال اند و از سوی دیگر شکاف‌های جامعه‌ی مدرن مثل شکاف طبقات و نسل‌ها و دو پارگی سراسری آن‌ها نمایان می‌شود. این دو پارگی تحت عنوان دوگانگی فرهنگی، اقتصاد دوگانه و شکاف تجدد و سنت‌گرایی بررسی شده و طبقات اجتماعی قدیم یعنی اشرافیت، روحانیت، خرده بورژوازی و دهقانان در مقابل طبقات اجتماعی جدید یعنی بورژوازی جدید، روشنفکران و طبقات کارگری قرار می‌گیرند. شکاف‌ها می‌توانند متراکم^۱ بوده و جامعه را دو قطبی کنند و پتانسیل اجتماعی را افزایش دهند یا متقاطع^۲ بوده و با

1.Reinforcing Cleavages

2.Crosscutting Cleavage

افزایش نقاط مشترک گروه‌بندی‌های اجتماعی زمینه‌ی منازعه‌ی اجتماعی را کاهش دهند (بشیریه، ۱۳۹۲: ۹۹).

۳. یافته‌های تحقیق

شکاف و منازعه میان گروه‌هایی اجتماعی بر سر موضوعاتی مانند مشروعیت خواهی، عدالت و مساوات و میزان دخالت در قدرت در تاریخ کشوری مانند عراق و در مقاطع مختلف زمانی به چشم خورده و نشان می‌دهد که موقعیت و جایگاه بسیاری از نیروهای اجتماعی دچار تحول بزرگی شده است.

در ژوئن ۲۰۱۴ گروه داعش به همراه باقی‌مانده‌های حزب بعث با اشغال استان‌های نینوا، صلاح‌الدین، دیاله، الانبار و بخش‌هایی از کرکوک بحران امنیتی را در عراق آغاز کردند که هنوز هم ادامه دارد. غیر از گروهی از فرماندهان داعش که از بطن جنبش افراط‌گرای «بومصعب الزرقاوی»^۱ آمده بودند، گروه دیگری از فرماندهان داعش نیز پیوند نزدیکی با افسران گارد ریاست جمهوری عراق در زمان صدام حسین داشتند و همین امر باعث استقرار داعش در فلوجه به عنوان مرکز استقرار این افسران گردید. موقعیت جغرافیایی فلوجه هم بر اهمیت این شهر برای داعش می‌افزود. قرارگیری فلوجه در مرکز عراق و نزدیکی به بغداد از شرق و نزدیکی به الانبار از غرب، همچنین قرارگیری شهر مقدس کربلا در جنوب، این شهر را به موضعی مهم و راهبردی برای داعش بدل کرد (نبرد مرگ و زندگی داعش در فلوجه، ۱۳۹۵: ۳). همکاری داعش با فرماندهان سابق حزب بعث از جهات مختلفی قابل اهمیت است. این‌که چگونه دو جریانی که به لحاظ خاستگاه فکری و پیشینه‌ی تاریخی کاملاً متمایز بودند در یک عملیات مشترک و هماهنگ دولت نوری مالکی را با بحرانی جدی مواجه کنند؛ اینکه داعش و

۱. ابو مُصعب الزرقاوی با نام اصلی أحمد فاضل النزال الخلیله (زاده ۲۰ اکتبر ۱۹۶۶، زرقا، اردن - مرگ ۷ ژوئن ۲۰۰۶، عراق) مجاهد بنیادگرای اردنی الاصل که در افغانستان اردویی برای تعلیم شبه‌نظامیان راه انداخت. زرقاوی مخالف حضور آمریکا و نیروهای غربی در جهان اسلام بود. در اواخر سال ۲۰۰۴ او به اسامه بن لادن و القاعده پیوست و از این پس جماعت توحید و جهاد، القاعده عراق نامیده شد و زرقاوی توسط القاعده ملقب به «امیر القاعده در کشور بین‌النهرین» شد. در سپتامبر ۲۰۰۵ و پس از سرکوب شبه‌نظامیان سنی در تلعفر توسط دولت عراق، زرقاوی علیه شیعیان در عراق اعلان جهاد کرد. در این زمان او تعداد زیادی بمب‌گذاری انتحاری در مناطق شیعه‌نشین و همچنین علیه نیروهای آمریکایی اجرا کرد. ابومصعب الزرقاوی در ۷ ژوئن ۲۰۰۶ در هشت کیلومتری شمال شهر بعقوبه در شمال بغداد پایتخت عراق به دست نیروهای آمریکایی کشته شد. سپس ابوحمره المهاجر که به ابویوب المصری نیز شهرت دارد، جانشین وی در عراق شد.

بازماندگان حزب بعث به عنوان دو بازیگر غیر دولتی بر علیه یک هدف مشترک به توافق و در نتیجه همکاری رسیدند.

۳-۱. دولت عراق پس از سقوط صدام حسین

دولت موقت عراق توسط ایالات متحده و متحدانش به عنوان دولت سرپرست این کشور ایجاد شد. وظیفه‌ی این دولت اداره‌ی عراق تا زمانی بود که پیش‌نویس قانون اساسی این کشور با انتخابات مجلس ملی این کشور در ۳۰ ژانویه ۲۰۰۵ تهیه شود. دولت انتقالی عراق از تاریخ ۳ مه ۲۰۰۵ تا ۲۰ مه ۲۰۰۶ مشغول به کار بود. این دولت در تاریخ ۲۸ آوریل ۲۰۰۸ مورد تأیید مجلس نمایندگان عراق قرار گرفت و رئیس‌جمهور (جلال طالبانی) و دو جانشین اش با رای اکثریت دو سوم مجلس نمایندگان عراق تأیید شدند. پس از آن دولت اول نوری مالکی به عنوان اولین دولت قانونی تشکیل شده در عراق بوسیله آراء غیر مستقیم مردم بر سر کار آمد و در تاریخ ۲۰ مه ۲۰۰۶ مجوز فعالیت خود را از جانب مجلس نمایندگان عراق دریافت کرد. مالکی در این دولت از ۳۷ وزیر از گرایش‌های مختلف مذهبی و سیاسی استفاده کرد. از جمله قوانین بحث‌انگیزی که در این دولت تصویب شد وضع قانونی بود که پیامد آن تسویه دولت جدید از اعضای حزب بعث عراق را دربر می‌گرفت. اختلافات مابین مجلس اعلای اسلامی عراق و ائتلاف ملی عراق بر سر رای عدم اعتماد به این دولت، همچنین اختلاف نظر بین وزیران سنی مذهب کابینه با نخست‌وزیر منجر به کناره‌گیری آن‌ها از دولت شد تا حدی که دولت را تا مرز انحلال پیش برد. دولت دوم مالکی از تاریخ ۲۲ دسامبر ۲۰۱۰ به کار مشغول شد. در این دوره تامین امنیت کشور از نیروهای آمریکایی گرفته و به نیروهای عراقی سپرده شد. پس از این واگذاری نیروهای آمریکایی در دسامبر ۲۰۱۱ از عراق خارج شدند (Molly & Zavis, 2007).

۳-۲. فلوجه

شهر فلوجه نخستین و تنها شهر عراق است که داعش بدون حمله خارجی آن را اشغال کرد. در واقع اهالی فلوجه در جریان قیام استان الانبار علیه دولت مرکزی، شهرشان را به صورت داوطلبانه به سازمان تروریستی داعش تحویل دادند تا نیروهای ارتش و نظامیان موسوم به «صحوات» (گروه‌های مسلح سنی وفادار به بغداد) را از شهر بیرون کنند. به این ترتیب، داعش بدون حمله از بیرون و به کمک تروریست‌های مسلح ساکن شهر، این شهر را تسخیر

کرد. فلوجه در ادبیات عامه عراق به «شهر مساجد» معروف است و بیش از ۵۵۰ مسجد فعال تحت کنترل اتحادیه علماء سلفی عراق در آن قرار دارد.

این شهر با جمعیتی حدود ۳۰۰ هزار نفر و عمدتاً سنی مذهب در ۵۰ کیلومتری بغداد قرار داشته و به عنوان پایگاهی برای گروه مقاومت ابومصعب الزرقاوی شناخته شده هرچند که این موضوع به طور کامل اثبات نشده است (Graham, 2005: 23).

در زمان صدام، شهرک های متعددی در این شهر برای افسران سازمان امنیت ساخته شد که در مقایسه با افسران ساکن در شهر «الرمادی»، افسران مذهبی رژیم بعث بودند. با وجود ساخت حداقل ۱۷ شهرک مخصوص افسران بعثی در فلوجه، این شهر در میانه دهه ۹۰ شاهد قیام یکی از شیوخ علیه حکومت وقت بود که به «جنبش محمد مظلوم الدیلمی» مشهور شد. این قیام از سوی نظام صدام سرکوب شد. بعد از حمله ی آمریکا، فلوجه در چهار مقطع هدف عملیات سراسری نیروهای آمریکایی قرار گرفت که مجموعاً به کشته شدن حدود ۲۰۰ نظامی آمریکایی انجامید. طی سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸، نظامیان آمریکایی تنها در پادگان حاشیه فلوجه زندگی می کردند و پنتاگون به آن ها اجازه عبور و مرور بدون هماهنگی و با مأموریت قبلی در سطح شهر را نمی داد. این وضعیت باعث شد عملاً فلوجه از همان سال ۲۰۰۳ و به خصوص از سال ۲۰۰۸ توسط اتحادیه علماء سنی اداره شود و آن ها بتوانند بافت شهر را مطابق میل خود بازسازی کنند. در سال ۲۰۱۴، داعش بدون حمله نظامی از خارج از شهر و به کمک عوامل خود در داخل شهر، شبانه به مراکز پلیس حمله کرد و با پایین کشیدن پرچم عراق، شهر را تحت کنترل خود اعلام کرد. فردای آن روز، نخست وزیر وقت عراق طی یک سخنرانی از مردم خواست شهر را ترک کنند؛ زیرا با تمام قوا می خواهد به آن حمله و تروریسم را ریشه کن کند. در فاصله کوتاهی، مجموعه نیروهای مسلح سنی وفادار به بغداد (موسوم به جماعت صحوات یا بیداری) همراه با ارتش از طریق منطقه الکرمه به فلوجه حمله کردند؛ اما این حمله ناکام ماند و داعش در واکنش به این عملیات، از فلوجه به کرمه حمله کرد و توانست آن جا را به اشغال خود درآورد (مجیدی، ۱۳۹۵: ۱).

سرانجام فلوجه و مناطق اطراف آن پس از یک ماه و سه روز عملیات نظامی در سه مرحله عملیاتی و با مشارکت ۲۲ هزار نیروی ارتش، پلیس فدرال، یگان مبارزه با تروریسم، بسیج مردمی و عشایر عراق روز یکشنبه ۶ تیر ۱۳۹۵، به طور کامل آزاد شد. در این نبرد از طرح های نظامی قوی استفاده شد و از خسارت های انسانی به ویژه در میان شهروندان عادی در مقایسه با

نبردهای دیگر به شدت کاسته شد، علاوه بر آن از بیشتر خانه‌ها و ساختمان‌های اداری محافظت شد. البته مساله چگونگی بازگرداندن آوارگان فلوجه به خانه و کاشانه‌شان، چگونگی برخورد با پرونده عناصر داعش، چگونگی برخورد با آن دسته از شهروندان فلوجه که با داعش همکاری می‌کردند، به ویژه که صدها نفر از آن‌ها اعلام کرده‌اند که از کرده خود پشیمان‌اند و توبه کرده‌اند از مهم‌ترین مشکلاتی است که نیروهای امنیتی بعد از آزادسازی با آن روبه‌رو هستند.

۳-۳. حزب بعث

اینکه حزب بعث نقش پررنگی در شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی و سیاسی در سوریه و عراق داشته است، بر کسی پوشیده نیست. این حزب به بنیان‌گذاری «میشل عفلق»^۱ در سال ۱۹۴۷ بطور رسمی با آرمان‌های معروفش، وحدت، آزادی و سوسیالیسم، به جهان عرب عرضه شد. عفلق روشنفکری مسیحی و متولد دمشق بود که در پاریس درس خوانده و شیفته‌ی لیبرالیسم و آزادی غرب شده بود. عفلق معتقد بود که سه رکن فوق دشمن درماندگی و دیکتاتوری و مکمل یکدیگرند و قبول این سه اصل اعراب را به عظمت و بزرگی خواهد رساند و ملت‌های عرب را در برابر ظلم و فساد بیدار می‌کند.

تئوریسین‌های حزب بعث معتقدند که برای اولین بار ایده وحدت را در جهان عرب مطرح کردند. آن‌ها معتقدند هر جا ملت عرب به کشورهای مختلف تقسیم شده یا سرزمینی را از دست داده باشد، مبارزه تا اتحاد این بخش‌های تجزیه شده تا هنگام وحدت و تاسیس یک امپراتوری عرب مقتدر ادامه خواهد یافت. از طرف دیگر حزب بعث زمانی تشکیل شده بود که جامعه‌ی عربی از زور و ظلم و ستم استعمارگران سخت به ستوه آمده بود. آزادی که بعث بر آن تاکید می‌کرد در همه‌زمینه‌های اجتماعی بوده است و در لوای آزادی امکان مبارزه و اعتراض به توده‌های مردم داده می‌شود. در کنار دو رکن ذکر شده، جنبش بعث به سوسیالیسمی که در جهان عرب قابل تحقق است تکیه می‌کند. سوسیالیسم به نظر بعثی‌ها صرفاً به تولید سریع تکیه نمی‌کند بلکه رفاه جامعه را مدنظر دارد (امامی، ۱۳۷۰: ۴۶-۴۵).

در ۱۹۶۸ حزب بعث توانست با تحکیم مبانی قدرت خود رهبری کشور عراق را بر عهده بگیرد. دو عامل رقابت بین دو ابر قدرت و ضرورت تثبیت اقتدار حکومت‌های حوزه نفوذ هر دو

1. Michel Aflagh

ابر قدرت، از جمله عوامل مساعد تداوم حزب بعث بودند. این حزب به عنوان تنها حزبی که در عراق اجازه‌ی فعالیت داشت بیش از سه دهه، حاکمیتی توتالیتر را این کشور را در دست داشت. حزب بعث جدا از نقش آن در قدرت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی پدیده‌ای ایدئولوژیک است که مبنای تغییرات در زمان قدرتش و سال‌های بعد قرار گرفت. ایدئولوژی این حزب با اندیشه قوم‌مداری و تلقی برتری تمدن و فرهنگ اعراب بر سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و نیز نگاه بدبینانه نسبت به همسایگان ناشی از برجسته‌سازی اختلافات ارضی و قومی، به عراقی‌ها القا شد به نحوی که بعد از سقوط صدام و انحلال این حزب، افسران گارد و اعضای عالی‌رتبه حزب این تفکرات را در شهرهایی مثل فلوجه زنده نگه داشتند. از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ پس از اشغال عراق توسط آمریکا، اعدام صدام و انحلال حزب، فعالیت مجدد وفاداران به اندیشه و ساختار حزب به صورت مخفیانه ادامه یافت. گروهی از این بازماندگان که بعثی‌های متعصب و وفادار به آرمان‌های حزب بودند مشمول قانون بعثی‌زدایی شده و از بدنه‌دولت، دستگاه‌های امنیتی، ارتش و سایر نهادهای دولتی پاک‌سازی شدند. عده‌ای از این افراد با بکار گرفتن روش مسلحانه و انجام عملیات تروریستی، سعی در ناکارآمد نشان دادن دولت جدید داشتند. چه بعثی‌هایی که به دلیل مصالح فردی در بدنه‌ی دولت ماندند و چه گروهی که پاک‌سازی شدند و حتی آن‌ها که مهاجرت کردند، همه با هدف بازسازی عراقی مشابه عراق قبل از ۲۰۰۳، از منظر تئوریک، هدف مشترکی را دنبال می‌کردند.

حزب در فضایی آکنده از یاس و ناامیدی خود را رهبر جریان مقاومت ضد اشغال‌گری عراق معرفی کرد و ذیل فرماندهی عزت‌الدوری فعالیت کرده و سه نقش عمده زیر را بر عهده گرفت:

- رهبری مستقیم بخشی از گروه‌های مقاومت عراق؛

- برنامه‌ریزی مشترک با گروه‌های مسلح در راستای اجرای عملیات‌های مشترک؛

- ایجاد هماهنگی میدانی با سایر گروه‌هایی که به صورت مستقل از حزب بعث فعالیت می‌کنند.

همکاری‌های «عزت‌الدوری» و «ابو مصعب الزرقاوی»^۱ سبب شد القاعده عراق، ساختار جدید تشکیلاتی را برای خود پایه‌ریزی کند. این مرحله آغاز انشعاب القاعده عراق از سازمان القاعده بود که در نهایت منجر به جدایی داعش از بدنه‌ی سازمان القاعده شد. در نتیجه و با همکاری بعثی‌ها با گروه‌های تروریستی سلفی، این دو جریان توانستند در یک عملیات نظامی مشترک بخش وسیعی از عراق را تصرف کنند. اما با توجه به قدرت بیشتر داعش نسبت به

1. Abu Musab al-Zarqawi

گروه‌هایی مانند شورای انقلابیون و جیش الرجال طریق النقشبندیه^۱، عملاً قدرت اصلی در مناطق اشغالی به دست داعش افتاد (نقش دوری در عراق پس از صدام چه بود؟ یکی از اصلی‌ترین وجوه اشتراک بین داعش و نیروهای باقی‌مانده از حزب بعث، مبارزه با حاکمیت دولتی شیعه در بغداد و بازگرداندن حکومت به اهل سنت است. بعد از سقوط صدام و تشکیل جمهوری عراق در ۲۰۰۳، نخستین قانون اساسی دموکراتیک این کشور در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۵ به تصویب رسید. حکومت عراق متشکل از یک مجلس نیابتی و یک دولت فدرالی است و مردم با آرای مستقیم نمایندگان مجلس را تعیین می‌کنند. از نظر داعش پارلمان عراق نهادی نامشروع بوده و هرگونه انتخابات و مشارکت سیاسی در زیر پرچم دولت شیعه‌ی عراق غیر شرعی است. همچنین قانون اساسی که بر مبنای آن فرایندهای سیاسی امکان پذیر شده و به رسمیت شناخته می‌شوند قانونی کفرآمیز و پیروان آن مرتد هستند. آن‌ها با تکیه بر عامل مذهب و ایجاد شکاف شیعه- سنی، روی کار آمدن دولت عراق را از تبعات اشغال امریکا می‌دانند (الرواشدی، ۲۰۱۲: ۴).

همان‌طور که ذکر شد یکی از مبانی ایدئولوژیک حزب بعث، قوم‌مداری و نگاه بدبینانه نسبت به سایر مذاهب بود به نحوی که رهبران این حزب قانون اساسی را قانونی تبعیض‌آمیز و طایفه‌گرا دانسته و انتخابات بر مبنای آن را باطل اعلام می‌کردند. هرچند که نگاه تئولوژیک در اندیشه داعش بسیار شدیدتر از حزب بحث بود اما شباهت این دو تفکر به علت اعتقاد به شکاف قومی و مذهبی نقطه‌ی اتصال این دو جریان بوده است.

البته با اینکه هر دو جریان با حاکمیت دولت شیعی در عراق مخالف اند اما برای جایگزینی دولت جدید دو مسیر متفاوت را دنبال می‌کنند. حزب بعث به‌عنوان یک حزب سیاسی رویکردی مدرن داشته و دولت- ملت عراق را به رسمیت می‌شناسد و معتقد است که تنها با حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی عراق است که رکن اساسی ایدئولوژی بعث که همان وحدت جهان عرب است حفظ خواهد شد. در مقابل «ابوبکر بغدادی» به عنوان خلیفه‌ای خود خوانده و با به رسمیت نشناختن مرزهای سایر کشورها، نشان داد که خواهان ترویج گفتمانی امتی است.

۱. گروه نقشبندیه گروهی سنی و ملی‌گرا وابسته به عزت ابراهیم و متشکل از حامیان صدام حسین و اعضای رژیم بعث است. این گروه خواهان براندازی حکومت شیعه در عراق و حمایت از اهل سنت عراق است.

۳-۴. حمله آمریکا به فلوجه و کنوانسیون ژنو

اتفاقاتی که در زمان حمله آمریکا به عراق در فلوجه افتاد، تاثیر بسزایی بر ساختارهای اجتماعی از جمله میزان همبستگی و تمایلات ضد آمریکایی در دراز مدت در فلوجه گردید. این حمله یکی از نمونه‌های نقض فاحش حقوق بشر در زمان حمله نظامیان به فلوجه است. ماده ۴۸ پروتکل الحاقی به کنوانسیون ژنو در سال ۱۹۷۷ اعلام می‌دارد: تمامی طرفین یک درگیری باید میان غیر نظامیان و اهداف غیر نظامی و نیروهای نظامی و اهداف نظامی تفاوت قائل شده و تمامی اقدامات تنها در مقابل اهداف نظامی باشد. در ۸ اکتبر ۲۰۰۴، نیروهای نظامی آمریکا با ادعای حمله به رهبران گروه‌های تروریستی به شهر فلوجه حمله کردند. پیش از این نیز فلوجه آماج بمباران آمریکایی‌ها بود و در یکی از این موارد بمباران یک عروسی باعث کشته و زخمی شدن ۱۷ نفر شد که ۹ نفر آنان زن و کودک بودند. مقامات پنتاگون با اعتراف به عامدانه بودن حمله به این عروسی عنوان کردند در این مراسم قرار بوده اعضای گروه زرقاوی با هم دیدار کنند. همچنین این مقامات عنوان کردند که حمله به مناطق غیر نظامی می‌تواند حداقل این فایده را داشته باشد که غیر نظامی‌ها و مردم ارتباط خود را با تروریست‌ها قطع کرده و از آنان حمایت نکنند.

همچنین در دیداری که مقامات سازمان دیده‌بان حقوق بشر از زندان «ابو غریب»^۱ داشتند با مواردی روبرو شدند که مصداق بارز شکنجه محسوب می‌شدند. مواردی نظیر بی‌خوابی، عریان کردن زندانیان، سوءاستفاده جنسی، به زنجیر کشیده شدن، آزارهای بدنی و برخی موارد دیگر. در ۲۷ اکتبر ۲۰۰۴ مدیر بررسی گزارش‌های مربوط به شکنجه سازمان ملل اعلام داشت که به نام مبارزه با تروریسم، اقدامات ممنوعه‌ی غیر انسانی و شکنجه‌های فراوانی صورت گرفته و در مورد زندانیان این اقدامات به طور واضح و مشخص دیده می‌شود (خبیری و دربندی، ۱۳۸۹: ۴۶)

۱. زندان ابوغریب (به عربی: سجن أبو غریب) نام زندانی در ۳۲ کیلومتری غرب بغداد است. این زندان ابتدا به خاطر جنایات صدام حسین و رژیم بعث عراق در شکنجه و اعدام مخالفان بخصوص شیعیان به شهرت بین‌المللی رسید. در سال ۲۰۰۴ میلادی و پس از اشغال عراق توسط ایالات متحده آمریکا، با انتشار تصاویری از زندان ابوغریب در مورد شکنجه و آزار زندانیان عراقی توسط نظامیان آمریکایی، این زندان مورد توجه بین‌المللی و انتقادات فراوانی از وزارت دفاع آمریکا بخصوص وزیر وقت دفاع ایالات متحده آمریکا، دونالد رامسفلد قرار گرفت.

دولت و بازیگران غیر دولتی در عراق پسا صدام؛ مطالعه...

در سال ۲۰۰۵ فیلم مستندی به نام «فلوجه، کشتار پنهان» از «سیگفریدو رانوچی»^۱ در شبکه تلویزیونی ایتالیا پخش شد که به صورتی مستند استفاده از بمب ناپالم مانند ۷۷MK و سایر سلاح‌های شیمیایی در فلوجه و خشونت‌های اعمال شده بر شهروندان و مخصوصاً کودکان را که توسط ارتش آمریکا در نوامبر ۲۰۰۴ انجام شده، به تصویر کشیده بود.

نتیجه‌گیری

خاورمیانه در سال‌های اخیر شاهد تحولات فراوانی بوده است. بسیاری از ساختارهای دیرپای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در این دوره در معرض دگرگونی قرار گرفته‌اند. این تحولات متأثر از عوامل مختلفی بوده و بعضاً همراه با هزینه‌های مادی و معنوی بوده‌اند. به نظر می‌رسد پیشینه تاریخی و فعال شدن شکاف مذهبی و شکاف بین جامعه‌ی فلوجه و دولت مرکزی، هم‌گرایی گروه‌ها و بازیگران غیر دولتی مانند باقی‌ماندگان حزب بعث و گروه تروریستی القاعده، در کنار ضعف دولت مرکزی یا به عبارتی فروماندگی این دولت، از جمله دلایلی هستند که در فلوجه بستری مناسب برای اشغال داعش فراهم آورده به نحوی که کمترین مقاومتی در این مورد صورت نگرفت. سابقه جنایات آمریکا در زمان اشغال فلوجه در ۲۰۰۴ به وسیله نیروهای آمریکایی، عدم مشروعیت آمریکا و هم‌پیمانانش از طرفی و دست‌نشاندهی اشغال‌گران دانستن دولت عراق، ارتش و سایر نیروهای امنیتی از سوی مردم هم از جمله عواملی بود که مردم را برای پذیرش بیشتر داعش آماده کرده بود. تا حدی که بعد از آزاد سازی هم واکنش جامعه نسبت به خروج گروه داعش مانند شهرهایی مثل منبج در سوریه که مردم در خیابان‌ها به شادی پرداختند نبود. این موضوع نشان می‌دهد که فعال شدن شکاف‌های مذهبی و قدرت گرفتن بازیگران غیر دولتی اگر در بستر اجتماعی و سیاسی پر هرج و مرج و دولت مرکزی ضعیف قرار بگیرد، می‌تواند در جوامع در حال گذار شرایطی را برای نفوذ جریان‌های مانند داعش ایجاد کند. همچنین می‌توان مشاهده کرد که تحولات جامعه‌ی مدنی در عراق پس از صدام با در نظر گرفتن عواملی مانند بروز جنبش‌های جدید اجتماعی و هویت‌خواه و شکل سازمان دهی، تغییر در نوع مطالبات، ایدئولوژی و نقش رهبران و نحوه ائتلاف آن‌ها با یکدیگر، شکل جدیدی از مواجهه با گروه‌های تروریستی را رقم زده‌اند.

1. Sigfrido Ranucci

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

امامی، محمدعلی (۱۳۷۰). «سوریه و عراق، دیروز و امروز: ریشه‌های عقیدتی حزب بعث(۴)/اسیمای بعث»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، خرداد و تیر، شماره ۴۵ و ۴۶، صص ۴۱-۳۸.
بشیریه، حسین (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی سیاسی نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، تهران: نشر نی.

چامسکی، نوام (۱۳۸۹). *دولت‌های فرومانده*، ترجمه‌ی اکرم پدramنیا، تهران: انتشارات افق.
خبیری، کابک؛ دربندی، مارال (۱۳۸۹). «اقدامات سیستماتیک آمریکا در نقش حقوق بین‌الملل»، *پژوهش‌نامه‌ی روابط بین‌الملل*، شماره ۴۶، صص ۳۲-۹.

سیمیر، رضا (۱۳۷۸). «سازمان‌های غیر دولتی و نفوذ آن‌ها در جامعه‌ی جهانی»، *نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۴۷ و ۱۴۸.

فلاست، لوییس (۱۳۸۶). *روابط بین‌المللی خاورمیانه*، ترجمه احمد سلطانی نژاد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

فرجی راد، عبدالرضا (۱۳۹۱). *دولت‌های فرومانده تهدیدی برای قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای*، تهران: گزارش سخنرانی انجمن ژئوپلیتیک ایران

قادری، روح‌اله (۱۳۸۷). «تحول در نقش بازیگران دولتی و غیر دولتی از منظر حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۳۹، بهار، صص ۱۹۶-۱۶۵.

مجیدی، علیرضا (۱۳۹۵). *تغییر معادلات منطقه‌ای و داخلی عراق، مهم‌ترین نتیجه آزادسازی فلوجه*، سایت خبری تحلیلی فردا، ۴ خرداد.
<http://www.fardanews.com>

نبرد مرگ و زندگی داعش در فلوجه (۱۳۹۵). *خبرگزاری فردا*. بین‌الملل، عراق و سوریه، ۱۲ خرداد.
<http://www.fardanews.com>

نقش دوری در عراق پس از صدام چه بود؟ (۱۳۹۴). *پایگاه خبری تحلیلی گلستان ۲۴*، تاریخ انتشار ۱۳۹۴/۰۱/۲۹ مندرج در
<http://www.golestan24.com>

نقیب‌زاده، احمد (۱۳۹۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: انتشارات سمت.

ب) منابع عربی

الرواشدی، عبدالرحمن (۲۰۱۲). *الجهاد العلامی، تاصیل و تفعیل، قراءه فی اعلام الجهادی فی العراق*.

دولت و بازیگران غیر دولتی در عراق پس از صدام؛ مطالعه...

ج) منابع انگلیسی

- Graham Stefan (2005). "Remember Fallujah: Demonizing Place, Constructing Atrocity .Environmental and Planning ", **Society and Space** .volume 23, pp 1-10
- Hennessy-Fiske, Molly & Zavis, Alexandra (2007) "Al-Maliki Loses More Ministers" ,**The Baltimore Sun**, 7 August. Retrieved 28 June 2013.

